

نمونه‌هایی از اشکالات موجود

در برخی از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی

نوشته: دکتر خالد بن محمد الوهیبی / دکتر عبدالله بن سعد السهلی

ترجمه: یعقوب جعفری (بخش دوم)

در بخش اول مقاله که در شماره ۲۰ این مجله به چاپ رسیده است، بحثهایی کلی دربارهٔ دشواری ترجمهٔ قرآن به زبانهای دیگر و نیز شیوه‌های گوناگون ترجمهٔ متون مذهبی مطرح شد، اینک ادامهٔ مطلب:

بررسی برخی اشکالات موجود در ترجمهٔ معانی قرآن کریم

در این فصل می‌توان مطلب را در دو بخش اساسی مطرح کرد: بخشی که در آن نمونه‌هایی از لغزشهای عمومی بعضی از مترجمان ارائه خواهد شد و خواهیم دید که همهٔ این نمونه‌ها یا از قبیل ترجمهٔ تحت اللفظی متن اصلی است، یا ترجمهٔ مفهومی است که فقط بر معانی لغوی الفاظ تکیه کرده و این روش در بسیاری از مواقع مطلب را از معنای مراد در متن اصلی دور کرده است. بخش دیگر اختصاص به نمونه‌هایی دارد که مربوط به ناتوانی مترجم در فهم نکات بلاغی آیات خاص است.

در اینجا لازم است این توضیح را بدسیم که این ملاحظات دربارهٔ برخی از ترجمه‌ها هرگز از اهمیت این ترجمه‌ها و ارزش تلاشی که مترجمان آنها کرده‌اند نمی‌کاهد. این مترجمان بیشترین تأثیر را در روی آوری مردم به ترجمه‌هایشان داشته‌اند و تمایل بسیاری از غیر عربها به اسلام - پس از توفیق خداوند - در اثر خواندن چنین ترجمه‌هایی بوده است.

یکم: لغزشهای عمومی

گفتیم که در ترجمه تحت اللفظی، مترجم می‌کوشد عین متن اصلی را با همان نظم و ترتیبی که دارد به زبان مقصد منتقل کند و سعی می‌کند در این زبان واژه مرادفی بیابد که آن را به جای واژه موجود در متن قرار دهد و گفتیم که در این نوع ترجمه، حفظ سیاق متن اصلی و در عین حال احاطه بر همه معانی و اسلوبهای آن بسیار دشوار است، زیرا هر زبانی دارای ویژگیهای لغوی، بلاغی و نحوی است و اصطلاحات خاص خود را دارد که آن را از سایر زبانها متمایز می‌کند. در بسیاری از موارد، ترجمه تحت اللفظی باعث مغلق شدن معنای متن اصلی می‌شود. ما در اینجا نمونه‌هایی از خطاهای عمومی را که مترجمان دچار آن شده‌اند، ذکر می‌کنیم:

۱. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

And when we said to the angels, "Bow down and worship Adam" then worshiped they all, save Eblis^۱

در این آیه «ارادول» کلمه «اسجدوا» را به Bow down ترجمه کرده که معنای رکوع می‌دهد و درست این بود که بگوید: prostrate که به معنای سجده کردن است و منظور آیه نیز همین است. نیز همین مترجم، کلمه «فسجدوا» را به worship ترجمه کرده که به معنای عبادت است و این خطای فاحشی است و به خواننده، اندیشه‌ای نادرست از تعالیم اسلام می‌دهد، چون در اسلام عبادت جز برای خدا جایز نیست.

۲. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ

He it is who caused the unbelievers among the people of the Book to quit their homes and join those who had emigrated previously.^۲

در این ترجمه ملاحظه می‌شود که اولاً، مترجم چیزی را که در متن اصلی وجود ندارد به

نمونه‌هایی از اشکالات موجود در برخی از ترجمه‌های... □ ۱۱۱

آن اضافه کرده و آن قسمت اخیر ترجمه است و معنای آن چنین است: «آنها به کسانی که پیش تر هجرت کرده بودند پیوستند». چنین چیزی در متن وجود ندارد و این با امانت در ترجمه مغایرت دارد. ثانیاً در اینجا عبارت «الأول الحشر» ترجمه نشده و مترجم مطلبی را که در رساندن معنای مراد اهمیت دارد ساقط کرده است.

۳. وَذُو لَوْ تَذَهْنُ فَيَذَهُونَ^۱

They desire thee to deal smoothly with them: then would they be smooth as oil with thee.^۲

این مثال روشنی برای ترجمه تحت اللفظی «تذهن فیدهنون» است. نیز کلمه as oil را اضافه کرده در حالی که در متن اصلی وجود ندارد و آن را از معنایی که از دو فعل «تذهن» و «یدهنون» فهمیده اخذ کرده است. مفهوم ترجمه این است که «آنها دوست داشتند که تو با آنان با نرمی رفتار کنی و آنان هم با تو به نرمی رفتار کنند مانند روغن». کسی که عربی نمی‌داند، معنای مراد آیه را از این ترجمه نمی‌فهمد. منظور آیه این است که کافران دوست دارند پیامبر از برخی چیزهایی که از آنان می‌خواهد دست بردارد و کوتاه بیاید و آنان نیز متقابلاً همین کار را انجام دهند و این همان معنایی است که محمد پیکتال از آیه فهمیده و آن را چنین ترجمه کرده است:

Who would have had thee compromise, that they may compromise.^۳

۴. الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ^۴

But in their prayer are careless.^۵

در اینجا حرف جز «عن» به معنای «فی» گرفته شده است (یعنی آنها در نمازشان سهو می‌کنند) و این خطای روشنی است. منظور آیه سهو از نماز است که به معنای کسالت و کوتاهی از ادای نماز است نه سهو در نماز (که برای همه پیش می‌آید). خطای دیگر اینکه

۱. سورة قلم، آیه ۹.

2. Rodwell, *The Koran Translation from the Arabic*.

3. Pickthall, *The Glorious Qur'an*.

۲. سورة ماعون، آیه ۵.

5. Rodwell, *The Koran Translation from the Arabic*.

۱. سورة بقره، آیه ۳۴.

2. Rodwell, *The Koran Translation from the Arabic*.

۳. سورة حشر، آیه ۲.

4. Rodwell, *The Koran Translation from the Arabic*.

«الذین» را به معنای «لکن» گرفته است But. می توان گفت: ترجمه پیکتال نزدیک تر به اصل است. او آیه را چنین ترجمه کرده است:

Who are heedless of their prayer.^۱

۵. وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ^۲

When My servants question you about me, tell them I am near.^۳

مترجم در اینجا tell them را از پیش خود اضافه کرده است و این زیادت باعث شده که ویژگی خاص این آیه در میان آیاتی که مشتمل بر پرسش است، از میان برود، چون علما گفته اند ساختار جمله در این آیه به گونه ای است که خداوند به طور مستقیم و بدون هیچ واسطه ای به بندگانش پاسخ می دهد که به آنها نزدیک است، و می بینیم که پیکتال این ویژگی را از نظر دور نداشته و آیه را به درستی چنین ترجمه کرده است:

And when My servants question thee concerning Me, then surely I am nigh.^۴

۶. إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ

Verily, this Brotherhood of yours is a single Brotherhood.^۵

یوسف علی کلمه «امه» را Brotherhood ترجمه کرده که به معنای برادری است و این خطای واضحی است و هیچ توجیهی ندارد. پیکتال هم به چیزی ترجمه کرده که دلالت بر دین و آیین می کند و دیگری آن را به چیزی ترجمه کرده که دلالت بر گروه و جماعت می کند. از برخی کتابهای تفسیری نیز این معنا استفاده می شود و همین به صواب نزدیک است:

Lo! this, your religion, is one religion.^۶

1. Picthall. *The Glorious Qur'an*.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

3. N. J. Dawood, *The Koran: Translated with Notes*, 6.

4. Picthall. *The Glorious Qur'an*.

۵. سوره انبیاء، آیه ۹۲.

6. A. Y. Ali, *The Holy Qur'an: Text, Translation and Commentary*.

7. Picthall. *The Glorious Qur'an*.

دوم: ترجمه مفاهیم بلاغی

در اینجا نمونه هایی را از چهار ترجمه ارائه می دهیم:

اولاً: نمونه هایی از اشکالاتی که مترجمان به سبب مفهوم بلاغی آیه با آنها مواجه اند. اکنون نمونه هایی از برخی آیات بلاغی قرآن را ذکر می کنیم و خواهیم دید که مترجمان با مفهوم بلاغی این آیات انتخابی چه معامله ای کرده اند، و در خلال این بحث خواهیم دید که مترجمان، این آیات را به صورت ترجمه لفظی یا آزاد و یا مفهومی ترجمه کرده اند.

پیش از آوردن نمونه ها، در اینجا به نکته ای درباره عناوینی که مترجمان برای قرآن انتخاب کرده اند اشاره می کنیم. بیشتر مترجمان برای رساندن معنای کریم (در قرآن کریم) کلمه Holy را به کار برده اند در حالی که این کلمه به معنای مقدس است (رجوع شود به Collins Cobuild: ۱۹۹۵: ۸۰۶). شاید هم مترجمان همین معنا را اراده کرده اند. برخی دیگر از مترجمان کلمه Glorious را به کار برده و خواسته اند معنای عظیم را که در حقیقت نزدیک ترین ترجمه ها به این معناست برسانند، ولی آنچه بر معنای (قرآن کریم) دلالت می کند دو کلمه Noble و Bounteous است که نزدیک تر به صواب است و به همین جهت به نظر ما بهتر است که عنوان قرآن کریم همین گونه ترجمه شود. اینک نمونه ها:

۱. خداوند می فرماید: قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَمَلَ أَزْوَاجُ شَتَاتٍ

اولاً، معنای آیه:

این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه زکریا علیه السلام پنهانی خدا را خواند و بادلای پاک با او مناجات کرد و اظهار داشت که قوای بدنی او ضعیف شده و سن او بالا رفته است. خداوند سخن زکریا را در این کلام بلیغ و استوار چنین ترسیم کرده که استخوانها سست شده و پیری آشکار شده است. معنای واضح این جمله خبر دادن از بالا رفتن سن و ناتوانی جسمی است و منظور فقط این نیست که موی سرش سفید شده است. چون ممکن است یک جوان هم در همان آغاز زندگی موی سرش سفید شده باشد ولی قوای جسمانی او سالم باشد و مانند زکریا ناتوان نباشد.

ثانیاً، ترجمه های آیه:

۱. سوره مریم، آیه ۴.

ترجمه پیکتال:

"Saying; My Lord! Lo! The bones of me wax feeble and my head is shining with grey hair, ..." (p. 221)

ترجمه محمد اسد:

He prayed: " O my sustainer! Feeble have become my bones, and my head glistens with grey hair..." (p. 457)

ترجمه عبدالله یوسف علی:

Praying: "O my lord infirm indeed indeed are my bones, and the hair of my head doth glisten with grey..." (p. 744).

ترجمه هلالی و خان:

He said "My lord! Indeed my bones have grown feeble, and grey hair has spread on my head, ... " (p. 435)

ثالثاً، نقد این ترجمه‌ها:

باید گفت که همه این ترجمه‌ها تحت اللفظی‌اند و به معنای مطلوب آیه و بلاغت آن توجه نشده و آن، بیان بزرگسالی و ناتوانی است و نه کثرت موی سفید. در اینجا حاشیه و یا تعلیقه‌ای هم نیامده است که دلالت کند بر اینکه مترجمان بلاغت آیه را فهمیده‌اند.

۲. خداوند می‌فرماید: **أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا**

مُهْتَدِينَ^۱

اولاً، معنای آیه:

این کافران کفر را جایگزین ایمان کرده‌اند و این نزد خداوند نوعی تجارت است که در نهایت سود ندارد. مراد آیه از تجارت خرید و فروش نیست، منظور این است که کافران وقتی آنچه را خداوند بر زبان پیامبرش جاری کرده است تصدیق نکردند و مؤمنان را به مسخره گرفتند، ایمان را تبدیل به کفر کردند، چون چنین کاری باعث کفر صاحبش می‌شود و این تجارتی همراه با ضرر است.

۱. سوره بقره، آیه ۱۶.

ثانیاً، ترجمه‌ها:

ترجمه پیکتال:

"These are they who purchased error at the price of guidance, so their commerce doth not prosper, neither are they guided" (p. 435)

ترجمه محمد اسد:

It is they who have taken error in exchange for guidance and neither bargain brought them gain, nor have they found guidance [elsewhere]" (p. 6)

ترجمه عبدالله یوسف علی:

"These are they who have bartered guidance for error, but their traffic is profitless, and they have not true direction" (pp. 19-20)

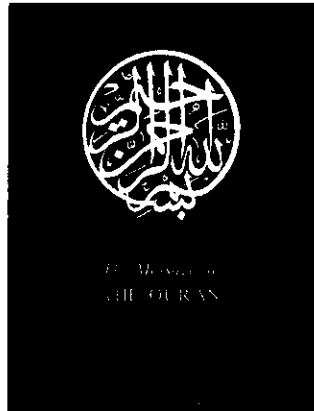
ترجمه هلالی و خان:

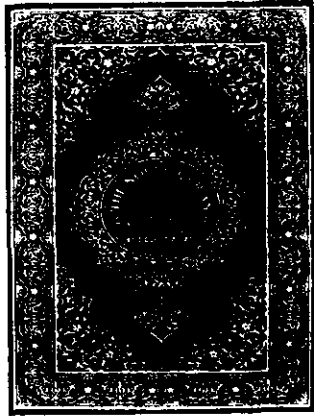
"These are they who have purchased error for guidance, so their commerce was profitless, and they were not guided" (pp. 13-14)

ثالثاً، نقد ترجمه‌ها:

معلوم است که این ترجمه‌ها تحت اللفظی‌اند و حتی برخی از آنها در گزینش واژه مناسبی که به طور تحت اللفظی دلالت بر معنای واژه قرآنی کند، هم موفق نبوده‌اند تا چه رسد به معنای بلاغی آیات! در ترجمه پیکتال می‌بینیم کلمه purchased به کار رفته که به معنای «خرید» است و این ترجمه تحت اللفظی، معنای بلاغی را نمی‌رساند. نیز ضلالت را به error ترجمه کرده در حالی که این کلمه به معنای خطا است و شاید این ناشی از ضعف آگاهی پیکتال از کلمات مترادف عربی است. همچنین پیکتال کلمه commerce را معادل تجارت قرار داده در حالی که حقیقت این است که آنچه آنان انجام می‌دادند و ایمان را تبدیل به کفر می‌کردند تجارت نبود، بلکه شبیه تجارت بود.

همین خطا را در ترجمه محمد اسد هم می‌بینیم. او نیز خطا را به جای ضلالت به کار برده





خود بیفزایند و در آن تصرف کنند.^۱

ثانیاً، ترجمه‌های آیه:

ترجمه پیکتال:

«Give unto orphans their wealth...» (p. 79)

ترجمه محمد اسد:

"Hence, render unto the orphans their possessions..." (p. 101)

ترجمه عبدالله یوسف علی:

"To orphans restore their property

(when they reach their age)" (p. 183)

ترجمه هلالی و خان:

"And give unto orphans their property and do not..." (p. 122)

ثالثاً، نقد ترجمه‌ها:

دو ترجمه اول و دوم ترجمه‌هایی تحت اللفظی‌اند و مترجمان آنها نتوانسته‌اند معنای بلاغی مطلوب و مفهوم کلام خدا را برسانند، ولی ترجمه سوم نزدیک‌تر به صواب است، چون مترجم میان پرائز این جمله را آورده که دادن اموال به یتیمان پس از بلوغ آنهاست و شاید هم این جمله از سوی کسی باشد که این ترجمه را مراجعه و تنقیح کرده است، همان گونه که در مقدمه ترجمه‌ای که در اختیار ماست ذکر شده است.

ترجمه هلالی و خان که تلاشی برای انتقال متن عربی است، نیز معنای مراد آیه را نرسانده است و لذا اگر خواننده تازه مسلمان، این نسخه خلاصه شده را بخواند، چه بسا در فهم آیه دچار اشتباهی سخت می‌شود. البته مترجمان، خواننده را به شرح آیه در جای دیگر ارجاع داده‌اند، ولی دسترسی به آن آسان نیست و لذا لازم بود معنای آیه را در خلال همین ترجمه تفسیری بیان می‌کردند.

۱. مختصر تفسیر ابن کثیر، نوشته محمد نسیب رفاعی.

و لذا در رساندن معنای بلاغی آیه توفیقی به دست نیاورده است.

در اینجا ترجمه عبدالله یوسف علی نزدیک‌تر به معنای بلاغی است، چون وی کلمه *bartered* را به کار برده که به معنای معاوضه و جایگزین کردن چیزی به جای چیز دیگر است؛ اما او نیز دچار همان خطایی شده است که پیکتال و محمد اسد دچار آن شده‌اند، چون او هم «ضلال» را *error* ترجمه کرده و این یک گزینش نامناسب است و شاید علت آن بی‌توجهی به مترادفهای عربی باشد.

ترجمه مشترک هلالی و خان هم تحت اللفظی است و به نظر می‌رسد که از ترجمه پیکتال استفاده کرده‌اند. البته می‌بایست این ترجمه نزدیک‌تر به صواب باشد، چون تقی الدین هلالی زبان عربی را خوب می‌دانست و آنها در کتابشان اشاره کرده‌اند که در این ترجمه برای بیان آیات به تفاسیر معتبر و صحیح بخاری و صحیح مسلم مراجعه کرده‌اند و لذا باید مراد آیه را درک می‌کردند و آن همان جایگزین کردن کفر به جای ایمان است، همان‌گونه که در این سخن خداوند هم آمده است: **وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَّيْنَاهُمْ فَأَسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ**^۱.

۳. خداوند فرموده است: **وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ**^۲...

در این آیه یک معنای بلاغی و مجازی وجود دارد و آن اینکه یتیمان به‌زودی بزرگ می‌شوند و به بلوغ می‌رسند. معلوم است که یتیم همان صغیری است که پدر و مادرش مرده‌اند و خداوند به مقتضای حکمت خود هرگز فرمان نمی‌دهد که ارث صغیر را به او بدهند، چون او قدرت تشخیص ندارد و بیم آن می‌رود که در مالش مطابق با مصلحت تصرف نکنند. کسی که این آیه را می‌خواند و به ظرافتهای زبان عربی و احکام شرعی آگاهی ندارد، شاید از آیه چنین بفهمد که باید اموال یتیمان را به آنان داد، در حالی که این مخالف شرع است و منظور آیه یتیمی است که بزرگ شده است (یعنی اموال یتیمان را پس از بزرگ شدن به آنها بدهید).

محمد نسیب رفاعی می‌گوید: خداوند در مورد یتیمان فرمان می‌دهد که آنها پس از اینکه بالغ شدند، اموالشان به آنها تحویل داده شود، و نهی می‌کند از اینکه اولیا اموال آنها را بر اموال

۱. سوره فصلت، آیه ۱۷.

۲. سوره نساء، آیه ۲.

۴. خداوند می فرماید: إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا^۱

اولاً، معنای آیه:

علی جارم و مصطفی امین درباره بلاغت این آیه می گویند: «به سخن خدا توجه کنید که می فرماید: وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا، خواهید دید که «فاجر» و «کفار» به صورت مجاز به کار رفته اند، چون هیچ نوزادی به هنگام تولد فاجر و کفار نیست، بعدها که بزرگ شد ممکن است چنین باشد. بنابراین، در این آیه منظور از نوزاد فاجر، شخص بالغ فاجر است و این به اعتبار آینده است»^۲.

این معنای بلاغی همان چیزی است که حدیث نبوی هم بر آن تأکید دارد. پیامبر خدا فرمود: «هیچ مولودی نیست مگر اینکه بر اساس فطرت (خداشناسی) متولد می شود، سپس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی می کنند»^۳.

ثانیاً، ترجمه ها:

ترجمه بیکنال:

"Thou shouldst leave them, they will mislead thy slaves and will beget none save lewd ingrates..." (p. 416)

ترجمه محمد اسد:

"For, behold, if thou dost leave them, they will [always try to] lead astray who worship thee, and will give birth to nothing but wickedness and stubborn ingratitude" (p. 898)

ترجمه عبدالله یوسف علی:

"For, if thou dost leave (any of) them, they will but mislead thy devotees, and they will breed none but wicked ungrateful ones" (p. 1537)

ترجمه هلالی و خان:

۱. سوره نوح، آیه ۲۷.

۲. البلاغة الواضحة، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۱۹.

"If you leave them, they will mislead your slaves, and they will beget none but wicked disbelievers" (p. 830)

ثالثاً، نقد ترجمه ها:

کسی که این ترجمه های تحت اللفظی را می خواند و تازه با اسلام آشنا شده است، چنین برداشت می کند که هر نوزادی که از این کافران متولد شود و سپس بمیرد، کافر مرده است، در حالی که این صحیح نیست و مراد آیه هم این نیست. لازم بود مترجمان مشخص می کردند که منظور، آینده این اطفال است؛ یعنی وقتی در آن جامعه مشرک بزرگ شدند، این حالت را پیدا خواهند کرد و به ناچار از جامعه خود تأثیر خواهند پذیرفت و این همان چیزی است که خداوند از زبان نوح به ما خبر می دهد؛ چون نوح نهصد و پنجاه سال با آنها زندگی کرده بود و از احوال آنها آگاهی کافی داشت. لذا می توان گفت که این ترجمه ها نتوانسته اند معنای بلاغی آیه را بیان کنند و آن در نظر گرفتن حالتی است که این اطفال در آینده پیدا خواهند کرد.

۵. خداوند می فرماید: إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْأٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ^۱

اولاً، معنای آیه:

این آیه شریفه اشاره می کند که انجام آنچه خدا و رسولش آن را حرام کرده اند نوعی جنگ با خداست که از جمله آنها ترساندن مسلمانانی است که در امنیت زندگی می کنند و نیز کشتن آنها و غارت اموالشان و اسلحه کشیدن به رویشان. منظور از محاربه در این آیه همین است و لذا اگر امام مسلمین بر کسی از آنان دست پیدا کند، مخیر است که اگر خواست او را با شمشیر بکشد و اگر خواست بر دار بزند و اگر خواست دست و پای او را بر خلاف جهت یکدیگر قطع کند و اگر خواست تبعید کند. ظاهر کلمه «أو» در این آیه همین مخیر بودن امام است. این چیزی است که در تفسیر ابن کثیر در ذیل این آیه آمده است. اگر منظور همین باشد ترجمه آیه به همان مفهومی که ظاهر آیه بر آن دلالت دارد درست است و مشکلی ندارد. اما دکتر محمد

۱. سوره مائده، آیه ۳۳.

احمد ابو فراخ درباره «أُو» در این آیه نظر دیگری دارد. او اظهار داشته است که «أُو» بر معنای بیشتری دلالت می‌کند که از جمله آنها تخییر، تفضیل و عطف است و در اینجا به معنای تفضیل است نه تخییر، زیرا محارب با خدا و رسول، به اندازه جرمی که مرتکب شده است مجازات می‌شود، و سخن ابن عباس هم درباره این آیه بر این مطلب تأکید می‌کند؛ او گفته است هر مرتبه‌ای از محاربه، مرتبه‌ای از مجازات را دارد؛ کسی که آدم بکشد کشته می‌شود و کسی که هم آدم بکشد و هم مال بردارد، کشته می‌شود و به دار آویخته می‌شود و کسی که فقط مال بردارد دست و پایش بر خلاف جهت یکدیگر بریده می‌شود و کسی که مردم را فقط بترساند تبعید می‌شود. برای همین است که می‌گوییم «أُو» در این آیه، نه بر تخییر، بلکه بر تفضیل دلالت می‌کند.

ثانیاً، ترجمه‌ها:

ترجمه پیکتال:

"The only reward of these who make war upon Allah and his messenger and strive after corruption in the land will be that they will be killed or crucified, or have their hands and feet on alternate sides cut off, or will be expelled out of the land" (p. 99)

ترجمه محمد اسد:

"It is but a just a recompense for those who make war on God and His apostle, and endeavour to spread corruption on earth, that they are being slain in great numbers, or crucified in great numbers, or have in result of their perverseness, their hands and feet cut off in great numbers, or are being [entirely] banished from [the face of] the earth such is their ignominy in this world..." (p. 148)

ترجمه عبدالله یوسف علی:

"The punishment of those who wage war against Allah and his messenger, and strive with might and main for mischief through the land is: execution, or crucifixion, or the cutting off of hands and feet opposite sides or exile from

the land ..." (p. 257)

ترجمه هلالی و خان:

"The recompense of those who wage war against Allah and his messenger, and do mischief in the land is only that they shall be killed or crucified or their hands and their feet be cut off from opposite sides, or be exiled from the land..." (p. 167)

ثالثاً، نقد ترجمه‌ها:

این ترجمه‌ها همه تحت اللفظی‌اند و چنین می‌نمایند که مترجمان پشتوانه شرعی محکمی نداشته‌اند، و برای همین است که این ترجمه‌ها بر اساس تخییر در اجرای حد شکل گرفته است بدون اینکه به نوع جرم توجه شود. مترجمان توجه نکرده‌اند که شرع مقدس برای هر جرمی، نوعی حد قرار داده است. همچنین همه این ترجمه‌ها کلمه «یحاربون» را به «war» ترجمه کرده‌اند و روشن نکرده‌اند که منظور آیه جنگ واقعی نیست. نیز پیکتال کلمه «جزاء» را به reward ترجمه کرده که در انگلیسی معنای مثبت دارد نه منفی که همان مکافات است و صحیح این بود که کلمه punishment را به کار می‌برد که معنای سلبی دارد. این دلالت می‌کند بر اینکه پیکتال از مرادفات عربی اطلاع کاملی نداشته است؛ همانگونه بر اینکه این ترجمه‌ها دلالت می‌کنند بر اینکه برخی مترجمان در آگاهی از احکام شرعی قصور داشته‌اند.

۶. خداوند می‌فرماید: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّخْسُورًا^۱

اولاً، معنای آیه:

قرآن کریم با یک توصیف مجازی بلاغی کامل، بخیلی را که انفاق نمی‌کند و نیز در طرف مقابل اسرافکاری را که ریخت و پاش دارد، در قالب چند کلمه توصیف می‌کند و این از بلاغت زبان عربی است که در آیات قرآن کریم آمده است. بنابراین، آیه فوق با بلاغت تمام بر نکوهش بخل و اسراف دلالت دارد.

ثانیاً، ترجمه‌ها:

۱. سوره اسراء، آیه ۲۹.

۱. مقاله «ترجمه‌های قرآن به زبانهای بیگانه در سنجش»، مجله دانشکده اصول دین، شماره ۵، ص ۸۶، سال ۱۴۰۳.

خدا داشته‌اند انکار نمی‌کنیم. در حقیقت، این گونه خطاها دلیل بر عظمت این کتاب کریم و بلاغت و اعجاز بیانی آن است.

نمونه‌هایی از ترجمه‌های پیشنهادی معانی قرآن کریم

استفاده از روش «ترجمه پیوسته» در ترجمه معانی قرآن کریم، به مترجم این توانایی را می‌دهد که همزمان، معنای ظاهری و بلاغی آیه و نیز اثر بلاغی همراه با معنای ظاهری آیه را درست ابراز کند و ترجمه را از محدود شدن به شکل و یا متمرکز شدن در لفظ یا معنای لغوی آن، که اساس ترجمه تحت اللفظی است، رها سازد.

اینک ما ترجمه پیشنهادی آیاتی را که مورد بحث قرار دادیم و گفتیم این آیات به سبب داشتن معنای بلاغی، مترجم را در وضعیت دشواری قرار می‌دهد تقدیم می‌کنیم. هدف ما این است که غیر عربی‌بتوانند به آسانی و بدون احتیاج به مراجعه به کتابهای لغت و منابع دیگر آنها را بفهمند. در این ترجمه‌ها واحدهایی به صورت ترجمه پیوسته در نظر گرفته شده که آیات از آنها تشکیل یافته است.

ترجمه پیشنهادی

آیات

"When he (Zakari) called upon his Lord secretly* He said I have become very old and weak..."

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي
وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا
(سوره مریم، ۴)

□

"And those who have substituted (exchanged) guidance with misguidance (belief with disbelief), they are the unsuccessful in such a trade and will not be guided on the Day of Judgment to paradise"

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ
بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا
مُهْتَدِينَ
(سوره بقره، ۱۶)

□

ترجمه پیکتال:

"And let not thy hand be chained to thy neck nor open it with complete opening, lest thou sit down rebuked, denuded" (p. 207)

ترجمه محمد اسد:

"And neither allow thy hand to remain shackled to thy neck, nor stretch it forth to the utmost limit [of thy capacity], lest thou find thyself blamed [by thy dependents] or even destitute" (p. 422)

ترجمه عبدالله یوسف علی:

"Make not thy hand tied [like a niggard's] to thy neck nor stretch it forth to its utmost reach. So that thou become blameworthy and destitute" (p. 682)

ترجمه هلالی و خان:

"And let not your hand be tied (like a miser) to your neck nor stretch it forth to its utmost reach. (like a spendthrift), so that you become blameworthy and in sever poverty" (p. 403)

ثالثاً، نقد ترجمه‌ها:

هیچ کدام از این چهار ترجمه نتوانسته‌اند حرص و بخل را توصیف کنند. این ترجمه‌ها آیه را به صورت تحت اللفظی معنا کرده‌اند، به گونه‌ای که خواننده آنها، در ذهن خود صورت مردی را ترسیم می‌کند که دستهای خود را روی هم قرار داده و از گردنش آویخته و نیز صورت مردی را ترسیم می‌کند که تا می‌تواند دست خود را می‌گشاید و از بدنش دور می‌کند. هیچ یک از این دو صورت نمی‌تواند معنای بلاغی آیه را در نکوهش حرص و اسراف برساند. گاهی سبب این کار تمایل مترجمان به ترجمه تحت اللفظی برای مطابقت با متن عربی است و اینجاست که از رساندن معنای بلاغی ناتوان می‌شوند.

در پایان یادآور می‌شویم که هدف ما این نبود که همه خطاهای موجود در این ترجمه‌ها را بیان کنیم، ما فقط نمونه‌هایی از آنها را ذکر کردیم و این ترجمه‌ها را چنان که شایسته است، به طور کامل مورد بررسی قرار ندادیم. در عین حال تلاشی را که این مترجمان در ترجمه کتاب

خلاصه سخن و چند توصیه

اکنون می‌توانیم به پرسشهایی که در مقدمه بحث مطرح شد، پاسخ دهیم و به طور خلاصه بگوییم: ترجمه‌هایی که در این مقاله مطرح شدند ترجمه‌هایی بلاغی نبودند و معنای پیوسته و بلاغی آیه را نرسانده‌اند. اینها ترجمه‌هایی هستند که جنبه تحت اللفظی بودن بر آنها غلبه کرده است و ما روشن ساختیم که از طریق این نوع ترجمه‌ها مراد از سخن خداوند به دست نمی‌آید، به خصوص آیاتی که در آنها اسراری است که تنها از طریق نکته‌های بلاغی فهمیده می‌شود.

همچنین از بررسی نمونه‌هایی که آوردیم روشن شد که بلاغت قرآن مشکل بزرگی در برابر مترجمان قرآن کریم در رساندن معنای کامل آیات است، و لذا می‌توان با اطمینان گفت: اگر واجب نباشد، لافل بهتر است که مترجم قرآن کریم عرب باشد و عربی را به خوبی بداند و به اسرار آن آگاه باشد و بلاغت آن را بچشد، و ممکن است که پس از ترجمه، کار او به افراد موثقی از اهل زبان مقصد ارائه شود تا آنها مطالب را با عباراتی آسان و روشنی جذاب در قالبی متناسب با زبان خودشان بریزند، بدون آنکه خللی در معنای اصلی به وجود آید.

برای بالا رفتن سطح ترجمه‌های قرآن کریم، موارد زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱. هیئتی دینی - مثلاً از سوی سازمان کنفرانس اسلامی - در جهان اسلام تأسیس شود تا ترجمه‌هایی را که از قرآن کریم منتشر شده است انتخاب و تصحیح و تنقیح کنند و جوانب شرعی، لغوی، بلاغی و نیز سلاست آنها را در نظر بگیرند، سپس آن را ترجمه مورد اعتماد معرفی کنند و به چاپ و نشر آن در میان مسلمانان سفارش کنند.

۲. متن واحدی از معانی قرآن کریم آماده شود تا نمونه‌ای باشد و بتوان آن را به زبانهای گوناگون ترجمه کرد. الفاظ این متن باید به گونه‌ای باشد که ترجمه آن به زبانهای دیگر آسان باشد. در اینجا به اقدام علمای الازهر اشاره می‌کنیم که با هدف سامان دادن به ترجمه‌های گوناگون منتشر شده میان مسلمانان که از نظر اعتقادی و شرعی یا لغوی و بلاغی کاستی‌هایی دارند، انجام گرفت. آنها تفسیر مختصری از قرآن کریم ارائه کردند که در آن مراد کلام خدا با کوتاه‌ترین عبارات بیان شده و سپس گروهی از کسانی که از نظر علم و شرع مورد اطمینان

"Give unto the orphans, when they reach their puberty, the money they inherited"

وَأَتُوا آلِيَتَامِي أَمْوَالَهُمْ
(سوره نساء، ۲)

"Said Noah, my Lord do not leave on the face of the earth anyone of the disbelievers* If you leave them, they will mislead your worshipers (slaves) and will give birth to children who will grow up and may be wicked disbelievers"

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ
وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاكِرًا كَفَرًا
(سوره نوح، ۲۷)

"Verily, those who declare war against Allah by striving to bring corruption to earth, is to be punished according to the type of corruption they bring, so they shall either be killed, crucified, hands and feet to be cut in alternate from the rest and ankle or to be expelled from their homelands into other lands"

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا
أَنْ يُقْتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ
الْأَرْضِ
(سوره مائده، ۳۳-۳۴)

"Do not be very stingy (miser) and hold your hands from spending, nor be very spender without measures, since you will not find help, hence you will be blamed and denuded."

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ
وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَدَ مَلُومًا
مَخْسُورًا
(سوره اسراء، ۲۹)

۱. به نقل از کتاب دکتر حسن معایرجی: الهيئة العالمية للقرآن الكريم ضرورة الدعوة و التبليغ.

بوده‌اند به ترجمه آن پرداخته‌اند.

ما با این سخن دکتر محمد احمد ابو فراخ^۱ موافقیم که چنین ترجمه‌ای باید شرایطی را که خلاصه آنها به قرار زیر است دارا باشد:

۱. اشاره شود که این اثر، ترجمه تفسیری معانی قرآن است.
۲. اینکه در این ترجمه، در حد ضرورت اصطلاحات علمی به کار رفته است.
۳. به ادله قرآنی و سنت پیامبر و شواهد لغوی عربی که در جهت رسیدن به معنای مطلوب کمک می‌کند، مراجعه شده است.
۴. این تفاسیر و ترجمه‌های آنها ساده و آسان نگاشته شده‌اند و از اختلافات مذهبی دورند.
۵. در موارد نیاز، حاشیه‌ها و تعلیقاتی بر آن افزوده شده است.
۶. بیان معانی بلاغی آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و در انتقال آنها به ترجمه در حد امکان تلاش شده است.

□

منابع عربی

۱. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، ۱۹۷۸ م.
۲. الايمان، ابن تیمیه، مکتبه انس بن مالک، ۱۴۰۰ هـ
۳. البدايه والنهایه، ابن کثیر دمشقی، دارالمعارف، بیروت، ۱۴۱۶ هـ
۴. البلاغة الواضحة: البيان والمعاني والبدیع، علی جارم و مصطفی امین.
۵. «الترجمات الانجليزية للقرآن»، سلیمان برکات، مجلة الازهر، شماره ۵۵، ص ۱۱۲-۱۱۷.
۶. ترجمات معانی القرآن الکریم و تطور فهمه عند الغرب، دکتر عبدالله عباس الندوی، رابطه العالم الاسلامی، شماره ۱۷۶، سال ۱۴۱۷ هـ
۷. ترجمه معانی القرآن الکریم بین نظرتین الدلالية والتداولية، دکتر عبدالرحمن الجمهور، وزارة

الشؤون الاسلامیة، المدینة المنورة، ۱۴۲۳ هـ

۸. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، جمال الدین یوسف المزی، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۵ هـ
۹. دراسة حول ترجمة القرآن الکریم، دکتر احمد ابراهیم مهنا، الوعي الاسلامی، قاهره.
۱۰. سیراعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، ۱۴۱۳ هـ
۱۱. صحیح بخاری، کتاب الجنائز، ص ۲۱۹.
۱۲. الکشاف، ابوالقاسم الزمخشری، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۹۷۰ م.
۱۳. مجلة البيان، دکتر فهد المالك «نظریه‌هایی در باب ترجمه معانی قرآن کریم» شماره‌های ۹۴-۹۷.
۱۴. مجلة كلية اصول الدین، محمد احمد ابو فراخ، «ترجمه‌های قرآن به زبانهای بیگانه در سنجش» شماره ۵، ۱۴۰۳ هـ
۱۵. مختصر تفسیر ابن کثیر، محمد نسیب الرفاعی، ج ۱، ۲، ۳، ۴.
۱۶. مقرر فی الترجمة، دکتر لافی ماجد الحری، جامعة الکویت، ۱۹۹۸ م.
۱۷. الهيئة العالمية للقرآن الکریم ضرورة للدعوة و التبلیغ، حسن المعایرجی.
۱۸. الوعي المحمدی، محمد رشید رضا، المکتب الاسلامی، ۱۹۷۱ م.

□

منابع انگلیسی

1. Al-Hilali, Taqi-ud-Din and Muhammad Muhsin Khan, *Interpretation of the meanings of the noble Quran in the English language*. Darussalam Publication, 1997.
2. Ali, Abdullah Yusuf. *The meaning of the holy Quran*. New Edition with revised translation and commentary, American trust publication, 1989.
3. Al-Malik, Fahad M. (1995). *Performative Utterances: Their Basic and Secondary Meanings with Reference to Five English Translations of the Holy Quran*. A Thesis submitted for the fulfillment of the degree of doctor of philosophy, Durham University.
4. Al-Sahli, A. S. (1996), *Non-Canonical Word Order: Its Types and Rhetorical Purposes With Reference to Five English Translations of the Meanings*

۱. در مقاله‌ای تحت عنوان: «ترجمه‌های قرآن به زبانهای بیگانه در سنجش»، مجلة دانشکده اصول دین شماره ۵، ص ۸۶ تا ۱۴۰۳.

of the Holy Quran. A thesis submitted for the fulfillment of the degree of doctor of philosophy, Durham University.

5. Arberry, *The Koran Interpreted*, 1963.
6. Asad, Muhammad. *The message of the Quran*. Al-andalus Publication, 1984.
7. Catford, J.C. (1965), *A Linguistic Theory of Translation*. London: Oxford University Press.
8. *Collins Coubuild English Dictionary* (1995). Harper Collins Publishers Ltd. London.
9. J. M. Rodwell, *The Koran Translation from the Arabic*, New York, 1968
10. Khan, M. K. (1986). "English Translations of the Holy Quran: A Bio-bibliographic study" *Islamic Quarterly*, 30, 2, 80-108.
11. Kidwai, A. R. (1991). "A Survey of English Translations of the Glorious Quran". *The Muslim World League Journal*. 18, 5, 17-20.
12. Mofakhar Hussain Khan, "English Translations of the Holy Quran: A Bio-Bibliographic Study", *Islamic Quarterly*. vol. 30, 1986.
13. N. J. Dawood, *The Koran: Translated with Notes*. Penguin Books, 1989.
14. Newmark, P. (1981), *Approaches to Translation*, Pergamon Institute of English: Oxford.
15. Newmark, P. (1988), *Approaches to Translation*. Prentice Hall International (UK) Ltd: Cambridge.
16. Pickthall, Muhammad Marmaduke William (1930), *The meaning of the glorious Quran*. London.